

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: ۷۵۸۴۸۸۶۶۲ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

بررسی و تحلیل حدود صلاحیت قانونی

بارزترین مراجع قضایی بین المللی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۴/۱۴، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۷/۱۸)

سعید چقاكبودی

چکیده

در عرصه بین المللی مراجع قضایی و قضاوتی مختلفی به دعاوی مطروحه رسیدگی می کنند که هر کدام از این مراجع وظیفه و صلاحیت خاصی را عهده دار هستند. صلاحیتی که طبق قانون به هر نهاد محول شده است. در این راستا باید توجه داشت نهادهای قضایی بین المللی را می توان به دادگاه ها، دادگاه های داوری و موسسات شبه قضایی تقسیم کرد. دادگاه ها ارکان های دائمی هستند و برای هر پرونده تقریباً یکسان هستند. در عوض، دادگاه های داوری برای هر پرونده جدید تشکیل می شوند. هم دادگاه ها و هم دادگاه های داوری می توانند تصمیمات الزام آور بگیرند. در عوض، نهادهای شبه قضایی در مورد پرونده ها حکم می دهند، اما این احکام به خودی خود از نظر قانونی لازم نیست. با توجه به اهمیت موضوع در این مقاله قصد داریم به پردازیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات و داده ها فیش برداری می باشد.

واژگان کلیدی: مراجع قضایی، صلاحیت قانونی، دادگاه بین المللی، مراجع

قضاوتی بین المللی، داوری بین المللی

بخش اول: بررسی و شناخت دادگاه های بین المللی

دادگاه های بین المللی دادگاه های دائمی هستند که طبق قوانین و معاهدات بین المللی قضاوت می کنند، همچنین وقتی این هنجارها مربوط به موضوعات مدنی و تجاری باشد. دادگاه های بین المللی باید از تالارهای داوری بین المللی متمایز شوند. در گذشته حقوق بین الملل مشروعیت بکارگیری روش های مسالمت آمیز و استفاده از زور را برای حل و فصل اختلافات بین المللی به رسمیت می شناخت و تنها تلاش میکرد تا کاربرد این روش ها وضمانت اجرای آنها را قاعده مند سازد.^۱ درمیثاق جامعه ملل توسل به جنگ مشروع بود و با تصویب «پروتکل حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی» (پروتکل ژنو) در صدد رفع این نقیصه بودند.^۲ از طرف دیگر روش حل و فصل اختلافات بین المللی نیز بتدریج تکامل می یابند. روش های مزبور مختلف هستند، مثل مذاکرات مستقیم و میانجیگری و آستی و داوری. از لحاظ تکامل روش قضایی حل و فصل اختلافات بین المللی می توان گفت حکمیت اولین قدم بوده است. به همین مناسبت در اواخر قرن نوزدهم فعالیت هایی در این زمینه بعمل آمد که یک دیوان حکیمت، مرکب از اشخاص صلاحیت دار، تشکیل گردید که پیوسته برای مراجعه کشورها آماده کار بود. به این منظور در کنفرانسهای بین المللی سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه یک دستگاه منظم حکمیت بین المللی طرح ریزی شد. ولی این اقدام مفید، در نتیجه جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ بلا اثر ماند. در سال ۱۹۱۹ جامعه مللی ایجاد شد بموجب قرارداد بین المللی تشکیل دهنده مؤسسه (میثاق)، این مؤسسه مأموریت یافت که درباره حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات و وضعیتهای خطرناک بین المللی فعالیت کرده و طبق شرایط معینی از کشمکشهای بین

^۱ - صلح چی، محمد و نژدی منش، هیئت ا...، حل و فصل اختلافات بین المللی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹، ص ۲۰.

^۲ - Protocol for the Pacific Settlement of International Disputes.



المللی جلوگیری کند. این مؤسسه شامل رکن قضایی (بعنوان دیوان بین المللی یا دیوان حکمیتی) نبود، ولی ماده ۱۴ میثاق پیش بینی کرد که شورای جامعه ملل طرح تشکیل یک دیوان دائمی بین المللی دادگستری را تهیه نموده و برای تصویب آن را به اعضای جامعه ملل ارائه دهد. پیرو پیش بینی فوق الذکر، در سال ۱۹۲۰ از طرف شورای جامعه ملل پروتکلی برای تصویب شدن به کشورهای جهان تسلیم گردید. این پروتکل تشکیل یک دیوان دائمی بین المللی دادگستری را حاکی بود و اساسنامه آنرا نیز در پیوست داشت. این پروتکل و اساسنامه پیوستی آن بزودی از طرف بیش از چهل دولت تصویب گشت و تشکیل دیوان عملی شد.^۱ دیوان دائمی بین المللی دادگستری مزبور جزو ارکان جامعه ملل نبود، ولی در عین حال بودجه آن از طرف جامعه ملل پرداخت میشد، و بعلاوه قضات آن از طریق جامعه ملل انتخاب می شدند (عین ترتیبی که درباره دیوان فعلی بعداً ذکر خواهیم کرد)^۲. از جهت شباهت کلی که بین مشخصات دیوان مزبور و دیوان بین المللی دادگستری فعلی موجود است، از بیان آنها، از لحاظ اجتناب از تکرار مطلب، خودداری می شود. یادآور می شود که دیوان دائمی بین المللی دادگستری که عملاً تا سال ۱۹۳۹ (سال حمله آلمان به هلند) مشغول کار بود از مؤسسات مفید بین المللی محسوب گشته حسن شهرت به سزایی بدست آورده بود. در سال ۱۹۴۵ چهار دولت آمریکا و انگلیس و شوروی و چین پیشنهاداتی تسلیم دول متحد خود نمودند. در این پیشنهادات تشکیل یک سازمان جهانی (به جای جامعه ملل سابق) پیشنهاد شده بود که برای تامین صلح و امنیت بین المللی و متمرکز ساختن مجاهدات بشر برای بهبودی اوضاع اقتصادی واجتماعی کلیه ملل جهان ایجاد گردد. از نکات مهم پیشنهادات این بود که تشکیل یک دیوان بین المللی

^۱-ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۴، صص ۴۴۵-۴۰۰.

^۲-ضیایی بیگدلی، محمدرضا، همان، ص ۴۴۰.



دادگستری را نیز پیش بینی نموده و، برخلاف میثاق جامعه ملل سابق، آنرا جزو ارکان اصلی سازمان مزبور محسوب داشته بود. ولی پیشنهادات مزبور درباره این سئوالات مهم ساکت بودند که آیا دیوان مورد نظر همان دیوان دائمی بین المللی دادگستری سابق و با همان صلاحیت باشد که با اساسنامه اصلاح شده بکار خود ادامه دهد و یا اینکه دیوان سابق برچیده شده و دیوان جدیدی تشکیل گردد که در تنظیم اساسنامه آن اساسنامه دیوان سابق مبنی قرار گیرد و صلاحیتاش گسترش یابد؟ اختیار یکی از دو روش نامبرده به کنفرانس سانفرانسیسکو واگذار شده بود (این کنفرانس برای تنظیم منشور ملل متحد براساس پیشنهادات چهاردولت نام برده و پیشنهادات سایر دول از طرف کلیه دول متحد تشکیل شده بود). انتخاب هر یک از این دو روش مشکلات قضائی و سیاسی داشت. بالاخره کنفرانس مزبور روش دوم را انتخاب کرده و دیوان جدیدی تشکیل داد. اساسنامه دیوان را نیز جز لاینفک منشور ملل متحد ساخت. بموجب تصویب منشور ملل متحد، از طرف اکثریت مورد لزوم از دول عضو، تشکیل این سازمان من جمله تشکیل دیوان بین المللی دادگستری لازم الاجرا گردید. قضات دیوان در تاریخ ۳ فوریه ۱۹۴۶ طبق پیش بینی اساسنامه آن انتخاب شده و در تاریخ ۳ آوریل ۱۹۴۶ اولین جلسه آن در لاهه (مقر دیوان سابق) تشکیل گردید. از لحاظ اجتناب از وجود دو دیوان بین المللی در یک زمان، قضات دیوان سابق استعفا داده و بلافاصله خود دیوان نیز برچیده شد. درمورد دیوان های بین المللی می توان گفت دیوان های بین المللی اغلب بوسیله ی توافقنامه ها بین دولت ها و یا بدستور سازندگان سازمانهای بین المللی مانند سازمان ملل بوجود آمده اند. از دیوان های بین المللی می توان به دادگاه های نورنبرگ^۱ و توکیو^۲ که بعد از جنگ جهانی دوم

۱- Nuremberg.

۲-Tokyo.



تأسیس شده اند، اشاره کرد. همچنین می توان به سه دیوان بین المللی دیگر که شامل دیوان بین المللی کیفری یوگسلاوی^۱، دیوان بین المللی دادگستری^۲ و دیوان بین المللی کیفری^۳ که در حال حاضر مقر آنها در هلند است، اشاره کرد.

بخش دوم: تحلیل و شناسایی صلاحیت دیوان های داوری در دعاوی

بین المللی

داوری بین المللی یکی از روشهای حقوقی حل و فصل اختلافات بین المللی است. داوری به شکل امروزی تا پایان قرن هفدهم در روابط بین المللی نقش برجسته ای نداشت. در قرن هفدهم معاهده جی^۴ که بین ایالات متحد و بریتانیای کبیر منعقد شد روش داوری به شکل بدین را برای حل و فصل اختلافات در سطح بین المللی ایجاد کرد.^۵ از آن زمان به بعد داوری های مختلف باعث بهبود و پیشرفت داوری در سطح بین المللی شد. با توجه به تحولاتی که در خصوص داوری صورت گرفت، می توان گفت داوری در حقوق بین الملل به سه شکل اساسی می باشد که عبارتند از: ۱- داوری توسط رئیس یک دولت خارجی که به داوری سلطنتی معروف می باشد. ۲- داوری توسط کمیسیون مختلط مانند کمیسیون های مختلط آمریکا و مکزیک. ۳- داوری توسط دادگاه ها یا دیوان های داوری که این نوع داوری موضوع بحث است و در اینجا به آن پرداخته خواهد شد.^۶ در این نوع داوری موضوع مورد اختلاف به افراد مستقل، بیطرف و دارای صلاحیت رسمی تخصصی ارجاع می شد تا براساس مقررات و طبق آیین دادرسی، به موضوع

۱- International.

۲- International Courroof Justice (ICJ).

۳- International Criminal Court (ICC).

۴- Jay Treaty.

۵- صباغیان، علی، نقش میانجیگری در حل و فصل اختلافات بین المللی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، صص ۲۷-۲۰.

۶- همان، ص ۶۰۲.

رسیدگی ورأی رسمی تخصصی ارجاع می شد تا براساس مقررات و طبق آیین دادرسی به موضوع رسیدگی و رأی صادر نماید. این نوع داوری را می توان درقضیه آلاباما که در سال ۱۸۷۳ رأی آن صادر شد، مشاهده کرد.^۱ پذیرش داوری به میزان گسترده در کنفرانس صلح لاهه ۱۸۹۹ اتفاق افتاد. این کنوانسیون در خصوص حل مسالمت آمیز اختلافات دیوان دایمی داوری را ایجاد کرد.^۲ این دیوان عصرجدیدی را در آیین داوری ایاد نمود و سپس از آیین داوری طی سده بیستم به طور چشمگیری استفاده شده و صدها معاهده دو جانبه داوری اجرایی منعقد شده است.^۳ وجهه داوری و احساس نیاز در سطح گسترده به نهادینه کردن آن جمله دلایل تشکیل کنفرانسهای لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ بودند. از این رو به بررسی صلاحیتی دیوان های داوری بعد از کنفرانس لاهه ۱۸۹۹ پرداخته خواهد شد. کنوانسیون لاهه برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در سال ۱۸۹۹ در ماده ۴۸ مقرر می دارد که دیوان داوری مجاز است که در خصوص صلاحیت خود راجع به تفسیر توافقنامه یا معاهده دیگری که ممکن است تقاضا شود صلاحیت خود را اعلام نماید. کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷ در ماده ۷۳ به همان نحو صلاحیت دیوان داوری را اعلام می دارد. در سال ۱۹۵۳ کمیسیون حقوق بین الملل در ارتباط با طرح کنوانسیون مقررات نمونه در ماده ۱۱ اعلام می دارد که دیوان داوری صلاحیت در تعیین صلاحیت خود را دارد. در سال ۱۹۵۸ کمیسیون حقوق بین الملل، مقررات نمونه را پذیرفت ماده ۹ اعلام می دارد که دیوان داوری صلاحیت تفسیر و دیگر اسناد مرتبط با صلاحیت را دارا می باشد. در سال ۱۹۶۲ مقررات دیوان دایمی داوری و سازش در خصوص حل و فصل اختلافات بین دو طرف که یکی از آنها دولت

۱- موسی زاده، رضا، حقوق بین الملل عمومی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸، صص ۴۰۰-۲.

۲-Wallace, R.M., International Law, London, Sweet Maxwell, ۱۹۸۰, p ۲۳۹.

۳. Ibid., pp. ۲۳۹-۲۴۰.

است در ماده ۴ صلاحیت در تعیین صلاحیت را تأیید می کند. بنابراین شاید در این جا بتوان گفت براساس مجوز حاصله در خصوص صلاحیت در تعیین صلاحیت یک دیوان داوری، صلاحیت در خصوص اعتبار قرارداد اصلی و همچنین شرط داوری مذکور در آن نیز دارا می باشد. از اینرو در تصمیمات مراجع داوری بین المللی به صراحت و به درستی موضوع استقلال و تفکیک پذیری شرط داوری لحاظ شده است.^۱ به عنوان مثال می توان به کنوانسیون ایکسید در مورد حل و فصل اختلافات بین المللی ناشی از سرمایه گذاری بین یک کشور و اتباع کشورهای دیگر (۱۹۶۵) اشاره کرد ماده ۲۵ این کنوانسیون موضوع استقلال و تفکیک پذیری شرط داوری را بیان می کند. همچنین در این باره می توان به دادگاه داوری ایران و آمریکا اشاره کرد ماده ۲۱ اعلام می دارد:

شرط داوری که بخش از قرارداد را تشکیل می دهد و داوری براساس این قواعد (آنسیترال) مقرر می دارد، به عنوان یک توافق مستقل از سایر شرایط قرارداد محسوب خواهد شد. تصمیم دیوان داوری مبنی بر اینکه قرارداد باطل و بی اثر است، از نظر قانونی بی اعتباری شرط داوری را در پی نخواهد داشت.^۲

بند اول: صلاحیت دیوان دائمی داوری

۱- صلاحیت ترافعی دیوان دائمی داوری

دیوان دائمی داوری^۳ در سال ۱۸۹۹ با تشکیل کنفرانس اول لاهه بر اساس کنوانسیون ۱۸۹۹ حل و فصل اختلافات، تأسیس شد. این دیوان قدیمی ترین مرجع بین المللی حل و فصل اختلافات میان دولت ها است اگر چه این دیوان ابتدا

۱- صلح چی، محمدعلی ونژدی منش، هیئت ا...، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، نشر میزان، ۱۳۸۹، صص ۴۳۵-۴۳۳.

۲- مظفری، احمد و نیک فر، مهدی، گزیده آرای دیوان لاهه، دیوان داوری دعاوی ایران-آمریکا، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۸، ص ۱۰۰-۴۵.

۳- Permanent Court of Arbitration (PCA).



با هدف فراهم آوردن آیین‌های برای حل و فصل اختلافات صرفاً میان دولت‌ها بوجود آمده بود، لکن از آغاز دهه ۱۹۳۰ رسماً به او اجازه داده شد که از تسهیلات این مرجع برای حل و فصل اختلافات میان دولت‌ها و اشخاص خصوصی و سازمان‌های بین‌المللی نیز استفاده شود.^۱ این دیوان قادر است که به فیصله برخی اختلافات مرتبط با مسایل تجاری و سرمایه‌گذاری نیز بپردازد. این مسئله موجب شده است که در مقایسه با برخی دیگر از مراجع بین‌المللی (همانند دیوان بین‌المللی دادگستری) از صلاحیت شخصی‌گسترده تری برخوردار شود و قادر است که به نیازهای جدید که متفاوت از نیازهای جامعه قرن ۱۹ است، پاسخ دهد.^۲ در سال ۱۹۳۰ شورای اداری دیوان دائمی داوری، دیوان را قادر است که به حل و فصل اختلافات از طریق کمیسیون‌های سازش بپردازد. دیوان بدین منظور مبادرت به تهیه و تدوین برخی قواعد داوری و سازش کرده است. در این خصوص به طور مثال به قواعد داوری اختلافات بین دولت‌ها (۱۹۹۲) قواعد داوری اختلافات بین‌المللی که یکی از اطراف آن دولت نمی‌باشد (۱۹۹۳)، قواعد داوری اختلافات بین سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها (۱۹۹۶)، قواعد داوری اختلافات بین سازمان‌های بین‌المللی و اشخاص خصوصی (۱۹۹۶)، قواعد سازش دیوان دائمی (۱۹۹۶)، قواعد کمیسیون‌های تحقیق (۱۹۹۷)، قواعد داوری اختلافات مربوط به منابع طبیعی و محیط زیست (۲۰۰۱) و قواعد سازش اختلافات مربوط به منابع طبیعی و محیط زیست (۲۰۰۱) می‌توان اشاره نمود.^۳ با این وجود به طور کل می‌توان بیان کرد که نقش اراده‌ی دولت‌ها در اعمال صلاحیت دیوان دائمی

^۱ -James Brown, Scott, The Hague Peace Conferences of ۱۸۹۹ and ۱۹۰۷, Baltimore, Johns Hopkins Press, ۱۹۰۹, PP. ۲۱۰-۲۴۱.

^۲ -محبی، محسن، ماهیت ساختار و عملکرد دیوان داوری ایران - ایالات متحده آمریکا، تهران، انتشارات فراادفر،

۱۳۸۲، صص ۲۱-۸.

^۳ -صلح‌چی، محمدعلی، نرندی منش، هیبت ا...، حل و فصل اختلافات بین‌المللی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹، ص ۱۴.

داوری بسیار چشمگیر بود. از این رو در رویه دیوان دائمی داوری برخلاف دیوان بین المللی دادگستری، تفکیکی بین صلاحیت ترافعی و مشورتی دیده نمی شود. اما در اغلب موارد، داوری واقعا ترافعی است و بواسطه‌ی خصوصیت الزام آور بودن و نهایی بودن رای داوری از سایر شیوه های غیر قضایی حل اختلافات قابل تمایز است^۱.

۲- صلاحیت مشورتی دیوان دائمی داوری

همانطور که گفته شد در رویه دیوان دائمی داوری تفکیکی بین صلاحیت ترافعی و مشورتی دیده نمی شود. اما با وجود اینکه در اغلب موارد، داوری واقعا ترافعی است، لذا شیوه های غیر الزامی حل اختلافات در دیوان دائمی داوری، مشتمل بر میانجی گری، سازش و تحقیق می باشد و بنابراین برای طرف هایی که متمایل به یک شیوه مشورتی یا غیر الزامی هستند مراجعه به این شیوه ها مناسب تر به نظر می رسند^۲ در نتیجه می توان استنباط کرد که دیوان داوری^۳، علی رغم خدمات موثر و انکار پذیر خود، خالی از عیب و نقص هم نبود زیرا قادر به ایجاد رویه قضایی نبود، و در عوض اینکه متمایل به امور حقوقی و قضایی باشد بیشتر متمایل به امور دیپلماتیک بود.

۳- دیوان داوری دعاوی ایران- آمریکا و صلاحیت آن

یکی از تحولاتی که در حقوق بین الملل اتفاق افتاده ایجاد نهادهای داوری بین المللی بوده است. این نهادها اختلافات بین دولت ها را حل و فصل می کنند و از طرفی اختلافات بین شرکت ها و اشخاص با دولت را رسیدگی می کنند. یکی از

۱- میر عباسی، سید باقر و سادات میدانی، سید حسین، دیوان بین المللی دادگستری در تئوری و عمل، جلد ۱، تهران، انتشارات جنگل ۱۳۸۷ صص ۱۰۸-۱۰۷.

۲- همان، ص ۱۰۸.

۳. Ibid.

مهمترین محاکم داوری بین المللی، دیوان داوری ایران و آمریکا^۱ می باشد. در ۴ نوامبر ۱۹۷۹ میلادی، ۴۲ تن از اتباع آمریکایی توسط انقلابیون در تهران گروگان گرفته می شوند. آمریکا دادخواستی را در این رابطه به دیوان بین المللی دادگستری ارائه می نماید و از سوء رفتار نسبت به اتباع خود و همچنین مصادره اموال آنها و نقض قراردادهای از سوی مقامات ایرانی شکایت می کند. ایران نیز از مداخله آمریکا در امور داخلی خود، مسدود کردن اموال ایران و نقض قراردادهای توسط اتباع آمریکا شکایت می کند. با این وجود دو دولت به حل و فصل قضایی اختلافات رضایت کامل نداشتند. در این میان دولت الجزایر با میانجیگری خود توانست توافقی را که مورد پذیرش طرفین بود بوجود آورد که نتیجه آن بیانیه الجزایر بود.^۲

بند دوم: صلاحیت دیوان دائمی بین المللی دادگستری

در دسامبر سال ۱۹۲۰ از طرف شورای جامعه ملل پروتکلی ارائه شد، که در آن تشکیل یک دیوان دائمی بین المللی دادگستری پیش بینی شده بود و این پروتکل و اساسنامه از طرف بیش از ۴۰ کشور و با اکثریت آراء به تصویب مجمع جامعه ملل رسید و تشکیل دیوان عملی شد؛ تعداد تصویب کنندگان اساسنامه تا اول سپتامبر ۱۹۳۹ از ۵۰ کشور تجاوز نکرد و دیوان مقر خود را در لاهه هلند قرار داد.^۳ پس از تصویب اساسنامه آن از سوی دولت های عضو جامعه ملل دیوان دائمی بین المللی دادگستری در تاریخ ۱۵ فوریه ۱۹۲۲ به ریاست لودر، حقوقدان هلندی رسماً در لاهه افتتاح شد.^۴ وظیفه دیوان فقط رسیدگی به اختلافات

^۱-خلیلیان، سیدخلیل، دعاوی حقوقی ایران و آمریکا مطرح در دیوان داوری لاهه، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲، ص ۳.

^۲-دکتر خاور، محمدعلی، صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری، تهران، چاپخانه بانک بازرگانی ایران، ۱۳۴۲، صص ۶۶-۱.

^۳ Shabtai, Rosanne. The World Court: What it is and How it Works, ۵th, Boston, Dordrecht, ۱۹۹۵, P.P. ۱۰۶-۱۱۴.



ارجاعی از طرف دولت ها نبود. بلکه باید در خصوص هر گونه اختلاف یا مطلبی که از سوی مجمع یا شورای جامعه ملل ارجاع می شد نظر مشورتی می داد و ظرف آن مدت دیوان به ۷۹ پرونده (۵۰ پرونده ترافعی و ۲۸ تقاضای رأی مشورتی) رسیدگی کند. در مورد ۲۱ دعوای ترافعی قرار عدم صلاحیت و در مورد ۲۰ دعوای ترافعی رأی ماهیتی صادر کرد از ۲۸ مورد درخواست رأی مشورتی فقط در یک مورد از دادن رأی امتناع کرد در ۲۷ مورد رأی مشورتی صادر کرد^۱. دیوان در مقایسه با دیوان دائمی داوری تحول بزرگی محسوب می شد، زیرا به درخواست جامعه ملل باید آرای مشورتی صادر می کرد و همچنین دولت ها می توانستند عضو اساسنامه آن شوند و قضاوت اجباری آن را در چارچوب اساسنامه (چه به طور کلی و یا چه در خصوص اختلاف یا اختلافات معینی) بپذیرند و یا برای ارجاع اختلافی به آن با یکدیگر به طور دو یا چند جانبه موافقت نامه امضاء کنند. در این مدت دولت ها معاهدات و عهدنامه های متعددی را امضاء کردند که در آن صلاحیت حل اختلافات را به دیوان واگذار نمودند همانطوری که در ماده ۲۶ اساسنامه آن پیش بینی شده بود بعضی از دولت ها با صدور اعلامیه صلاحیت اجباری دیوان را پذیرفتند.

بند سوم: صلاحیت ترافعی دیوان دائمی بین المللی دادگستری

بر طبق بند دوم ماده ی چهارده میثاق جامعه ی ملل، صلاحیت عام دیوان، در تمامی قضایای که به آن مرجع احاله و ناشی از معاهدات و کنوانسیون های لازم الاجرا بود؛ راشامل می باشد^۲. بسیاری از معاهدات صلح پس از جنگ دوم جهانی و معاهدات حمایت از اقلیتها چنین مواردی را پیش بینی کرده بودند. بین سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۵، قریب به ۵۵۰ توافق نامه ی بین المللی که رجوع به دیوان

^۱ - ماده ۳۶ اساسنامه، بندیک.

را در برداشت، منعقد شده بود.^۱ دیوان دائمی بین المللی دادگستری در سال ۱۹۲۳ اظهار داشت «در حقوق بین المللی به طور مسلم احراز شده است که هیچ دولتی را نمی توان بدون رضایتش وادار کرد تا اختلاف خود را با دولت های دیگر به میانجیگری یا داوری یا هر روش خاص دیگری برای حل و فصل ارجاع دهد.»^۲ یک معاهده پذیرش شرط اختیاری صلاحیت اجباری یا توافق خاص می تواند بیانگر صلاحیت دیوان باشد. شرط اختیاری پذیرش صلاحیت اجباری در بند ۲ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دائمی بین المللی دادگستری که وجود خود را به حقوقدان برجسته ی برزیلی، رائل فرناندز^۳، مدیون است در اساسنامه دیوان بین الملل دادگستری نیز وارد شد.^۴ هنگامی که در معاهده ی اختلافاتی مطابق با تعریف دیوان دائمی بین المللی دادگستری بوجود آمده و از قبل رجوع به طرف قضایی یا داوری پیش بینی نشده بود، انعقاد توافقنامه خاص، ضرورت داشت در صورتی که توافقنامه ای بوسیله ی یکی از طرفین ایجاد می شد و طرف دیگر به طور ضمنی پاسخ ماهوی می داد و صلاحیت دیوان را می پذیرفت، دیوان صالح به رسیدگی به اختلافات بود. همچنین هنگامی که یکی از طرفین دعوی تفسیر یا تغییر رای صادره توسط دیوان را خواستار می شد دیوان صالح به رسیدگی بود. پاره ای از معاهدات بین المللی که بیش از لازم الاجرا شدن میثاق منعقد شده بودند (مانند معاهده ورسای در ماده ۳۷۶)، دیوانی را که جامعه ی ملل بوجود می آورد، برای رسیدگی به اختلافات ناشی از معاهده ی خود، صالح دانسته بودند. در

^۱ - رجوع شود به: دائرة المعارف حقوق بین الملل عمومی، جلد ۱، ص ۱۶۹، شارل روستو، تعداد اینگونه عهد نامه ها را ۵۶۶ معاهده می دانست منبع ذکر شده، ج ۲، ص ۲۱۸.

^۲ - PCIJ Series B, Advisory Opinion No., ۵, ۵, P. ۲۷.

^۳ - Raul Fernandez.

^۴ - Hudson, M., The Permanent Court of International Justice ۱۹۲۰-۱۹۴۲, New York, Arno Press, ۱۹۷۲, PP. ۴۰۰-۵۲۳.

^۵ - ICJ Reports, ۱۹۶۲, P. ۳۲۸.

چنین مواردی، بر طبق ماده ی سی و هفتم میثاق دیوان دائمی دادگستری، صلاحیت لازم برای رسیدگی را دارا بود این امر بعد ها، به مواردی از معاهدات که اعلام می داشت «اختلاف مطابق روشی که میثاق پیش بینی کرده باشد، حل و فصل خواهد شد» کسری یافت.^۱ در سال ۱۹۲۹ بنا به درخواست مجمع جامعه ی ملل، شورای این جامعه، کمیته ای تشکیل داد تا به بررسی امر «اعطای صلاحیت تجدید نظر در احکام صادره از دیوان داوری»، به دیوان دائمی بین المللی، بپردازد. کمیته مزبور، پس از بحث و بررسی نظر داد که مجمع می تواند به اعضای خود توصیه نماید که ماده ای را در این خصوص، در معاهدات داوری یا معاهدات دو یا چند جانبه ی خود، درج نمایند و یا پروتکلی را در این خصوص برای الحاق، در بیست و هشتم آوریل ۱۹۳۰ در خصوص حل و فصل اختلافات ناشی از معاهده ی «تریانون»^۲ منعقد بین چکسلواکی، یوگوسلاوی، رومانی و مجارستان این امر پذیرفته شد که دیوان دائمی بین المللی دادگستری، مرجع تجدید نظر از احکام دیوان داوری رسیدگی کننده به اختلافات آنها باشد.^۳

بخش سوم: واکاوی حقوقی اصول صلاحیت مشورتی دیوان دائمی بین

المللی دادگستری در دعاوی بین المللی

دیوان دائمی بین المللی دادگستری، علاوه بر صلاحیت ترافعی، واجد صلاحیت دیگری بود که به آن «صلاحیت مشورتی»^۴ می گویند. این نوع صلاحیت، یک نهاد حقوقی «انگلو-امریکای» است که به میثاق جامعه ی ملل راه پیدا کرده است.^۵ بر

^۱ - میرعباسی، سید باقر، حقوق بین الملل عمومی، جلد ۲، تهران، انتشارات نشر میزان، ۱۳۸۵، صص ۱۴۳-۱۴۲.

^۲ - Treason Peace Treaty

^۳ - رجوع شود به هافمن (ونر): قضیه ی "تجدید نظر خواهی از رای داوری مختلط هنگری - چکسلواکی" در دائرة المعارف حقوق بین الملل عمومی، جلد ۲، صص ۱۹-۱۸.

^۴ - Advisory Competence.

^۵ - میرعباسی سید باقر و سادات میدانی، سید حسین، دیوان بین المللی دادگستری در تئوری و عمل، جلد ۱، صص ۱۵۳-۱۵۲.

خلاف ترتیبی که در ماده ۹۶ منشور ملل متحد نیز پیش بینی شده است، در جامعه ملل تنها شورا و مجمع عمومی، امکان درخواست نظر مشورتی از دیوان را داشتند. برای اولین بار در اصلاحیه اساسنامه که در سال ۱۹۳۶ لازم الاجرا شد، فصل چهارم (مواد ۶۵ تا ۶۸) به شرایط ویژه دادرسی مشورتی پرداخت. در عمل، تمامی درخواست ها برای کسب نظر مشورتی دیوان، توسط شورا صورت می گرفت و دبیر کل جامعه ملل از طرف رئیس شورا، درخواست ها را به دیوان تسلیم می نمود. بر اساس بند ۳ ماده ۱۴، درخواست می توانست مربوط به هر دعوا یا هر مسئله ای باشد مشروط بر آنکه مسئله مطروحه در چهار چوب صلاحیت شورا و مجمع قرار گیرد. برای دیوان پذیرفتنی نبود نسبت به موضوعی نظر مشورتی صادر کند که از طریق رضایت طرفین، در قالب دعوای ترافعی، قابل بررسی بود، و با همین استدلال، دیوان نظر مشورتی در قضیه «کارولیای شرقی»^۱ را رد نمود. در نتیجه در آن موقع برای درخواست رأی مشورتی چند اصل مورد پذیرش قرار گرفت.

اول- اختیار در خواست رأی مشورتی باید به ارکان شورایی سازمان های بین المللی اعطای شود. زیرا این ارکان قبل از درخواست نظر مشورتی، به مصالح عالیه سازمان و سنجش منافع و مضار در خواست رأی، توجه کافی معطوف و سپس در خصوص رأی مشورتی تصمیم گیری می نماید.

دوم- اگر چه پذیرش صلاحیت مشورتی، راه جدیدی برای دسترسی به دادگاه بین المللی باز می کند، اما وجود این راه حل، نباید موجب شود که نوعی صلاحیت اجباری دیگر، به منظور فرار طرفین اختلاف از ارجاع موضوع اختلافشان به دیوان شکل گیرد.

سوم- دادگاه به هنگام دادن نظر مشورتی، به ویژگی های کار قضایی وفادار

^۱-PCIJ, Series B, NO, ۵, P.۲۸.



خواهد ماند. بدین معنا که اصول حاکم بر رسیدگی به اختلاف بین دولت ها (اعمال صلاحیت ترافعی)، حسب مورد در صلاحیت مشورتی نیز مراعات خواهد شد. چهارم- آیین صدور رأی مشورتی، باید در حد امکان با آیین صدور آرای ترافعی، مشابه باشد.^۱

مدیر دفتر دیوان، درخواست های واصله در خصوص کسب نظر مشورتی دیوان را از طریق دبیر کل جامعه ی ملل، به اطلاع تمامی کشور ها می رساند و همچنین وظیفه داشت که از تمامی کشورها و سازمان های مربوطه بخواهد که اطلاعات خود را در خصوص قضیه مورد نظر ارائه دهند. رسیدگی مشورتی نیز همانند دعاوی ترافعی، دارای دو مرحله ی شفاهی و کتبی بود و نظر مشورتی پس از صدور، در جلسه عمومی قرائت می شد. هر چند که مجمع و شورای تعهدی بر پذیرش نظر مشورتی دیوان دائمی نداشتند، ولی عملاً نادیده گرفتن رأی مشورتی صادره، غیر ممکن بود بی طرفی نسبی دیوان و ارائه نشریه حقوقی و نه سیاسی خود عامل مهم در جهت پذیرش آرای مشورتی دیوان توسط شورا یا جامعه ملل محسوب می شد.^۲

بخش چهارم: صلاحیت دیوان بین المللی حقوق دریاها در دعاوی

بین المللی

دیوان بین المللی حقوق دریا، یکی از نهاد های قضایی جدید و دائمی بین المللی است که حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا را به عهده دارد. تأسیس این دادگاه اختصاصی، که در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا پیش بینی شده بود، به دنبال لازم الاجرا شدن کنوانسیون مزبور در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ عملی گردید و دادگاه عملاً از پاییز ۱۹۹۶ کار خود را

^۱ - میر عباسی، سید باقر، حقوق بین الملل عمومی، جلد ۲، منبع پیشین، ص ۱۴۵

^۲ - Hudson, M, The Permanent Court of International Justice ۱۹۲۰-۱۹۴۲, New York, Arno Press, ۱۹۷۲, P.P. ۴۸۳-۵۲۳.

آغاز کرد^۱. نکته حائز اهمیتی که علت اصلی ایجاد دادگاه بین المللی حقوق دریا گردید، این است که گر چه دیوان بین المللی دادگستری دارای سابقه و تجربه های مفیدی در زمینه دعاوی دریا بود، لکن طبق اساسنامه آن، فقط دولت ها حق ارجاع دعاوی خود را به دیوان دارند؛ اما دادگاه بین المللی حقوق دریا، می تواند بر اساس ماده ی ۱۸۷ کنوانسیون، پاسخگوی دعاوی اشخاص خصوصی نیز باشد، این امر، ویژگی آن است و بیانگر وسعت گسترده صلاحیت دیوان است^۲.

بند اول: صلاحیت شخصی دیوان

در دیوان بین المللی دادگستری، فقط کشورها می توانند در دعاوی ترافیعی، طرف دیوان باشند لذا سازمان های بین المللی و سایر اشخاص نمی توانند به صورت مستقیم در دعاوی ترافیعی طرف دیوان باشند، اما بر خلاف این وضعیت در دیوان بین المللی حقوق دریا، نه تنها کشورها صلاحیت طرح دعوا را دارند، بلکه سازمان های بین المللی و سایر اشخاص نیز، به ترتیبی که ذیلاً خواهد آمد، حق رجوع به این دیوان را دارا هستند^۳.

الف) دولت های عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا

ماده ۲۹۱ کنوانسیون صراحتاً مقرر می دارد که « تمام شیوه های حل و فصل بند ۱ اختلافات مقرر در فصل پانزدهم این کنوانسیون؛ برای همه ی اعضا قابل دسترسی است^۴». بند یک ماده ۲۰ اساسنامه ی دیوان نیز به این مطلب اشاره کرده است که « این دیوان، به روی تمام دولت ها عضو باز خواهد بود^۵». همچنین دولت ها و سازمان هایی هم که در ماده ۳۰۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق

^۱ -Eriksson , Gudmundur , «the International Tribunal for the Law of the Sea », 1st Edition , Netherlands , Martinus Nijhoff Publishers , ۲۰۰۰, P.P.۲۴-۶۰.

^۲ -<http://www.ICJ-CIJ.org>.

^۳ - پور نوری، منصور، حقوق بین الملل دریا ها، جلد ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات پیام حق، ۱۳۸۳، صص ۱۲۸-۱۱۹.

^۴ - United Nations Convention on the Law of the Sea, Art ۲۹۱.

^۵ - The Statute of ITLOS , Art ۲۰.

دریا ذکر شده اند می توانند عضو کنوانسیون باشند و به تبع آن نزد دیوان بین المللی حقوق دریا اقامه ی دعوی نمایند که تا سال ۲۰۱۲، ۱۷۸ دولت و نهاد بین المللی، بر اساس ماده ی ۳۰۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، به عضویت کنوانسیون در آمده است.

ب) سایر نهاد ها

دیوان به روی کلیه ی نهاد های غیر عضو کنوانسیون، در مواردی که صراحتاً در فصل ۱۱ کنوانسیون بدانها اشاره شده است، باز می باشد. همچنین در هر مورد که نسبت به پذیرش صلاحیت دیوان بین المللی حقوق دریا ها، موافقت نامه ای منعقد شده باشد، رجوع به دیوان برای طرفین موافقت نامه ی مزبور میسر است. ماده ۲۹۱ کنوانسیون در این خصوص اشعار می دارد: «بند ۲ روش های حل و فصل اختلافات (که در فصل پانزدهم کنوانسیون ذکر شده است) برای کلیه ی نهاد ها، سوای دولت های عضو کنوانسیون تنها در خصوص مسایل و موضوعاتی که صراحتاً در کنوانسیون بدانها اشاره شده است فراهم می باشد».^۱ بند ۲ ماده ۲۰ اساسنامه دیوان بیان می دارد: «به غیر از دولت های عضو، دیگر مؤسسات می توانند در کلیه دعاوی مذکور در بخش ۱۱ کنوانسیون، یا هر دعاوی که طرفین به موجب دیگر موافقت نامه ها صلاحیت دیوان را به عنوان مرجع رسیدگی به اختلافات پذیرفته باشند به دیوان بین المللی حقوق دریا رجوع کنند.»

بند دوم: وسعت صلاحیت دیوان بین المللی حقوق دریاها

وسعت صلاحیت دیوان، قابل توجه بوده و محظورات دیوان بین المللی دادگستری را ندارد به طور کلی می توان گفت که همه اختلاف مربوط به حقوق دریا ها، قابلیت رسیدگی قضایی را دارد که در دو قسمت «دعاوی ترافیعی» و «نظرات مشورتی» خلاصه می شود. دعاوی ترافیعی که نزد دادگاه بین المللی

^۱ -Ibid.

حقوق دریا مطرح می شود، شامل موارد زیر می باشد:

۱- صلاحیت در خصوص اختلافات راجع به تفسیر یا اجرای کنوانسیون

دادگاه نسبت به هر اختلافی که در خصوص تفسیر یا اجرای کنوانسیون دیوان، نسبت به هر اختلافی که در خصوص تفسیر یا اجرای کنوانسیون (بر اساس فصل پانزدهم)، نزد وی اقامه شود، صلاحیت دارد.^۱ همچنین نسبت به اختلافات راجع به تفسیر و اجرای موافقت نامه های مربوط به اجرای فصل یازدهم کنوانسیون نیز صلاحیت دیوان مسلم است.^۲ در حقیقت، اختلافات مربوط به تفسیر یا اجرای کنوانسیون، انحصاراً در اختیار دیوان است و دیوان از طریق رسیدگی های اجباری به حل و فصل آنها می پردازد. نتیجه این رسیدگی ها، صدور تصمیمات الزام آور می باشد اما استثناهای نیز در مورد رسیدگی های اجباری وجود دارد که در مواد ۲۹۷ و ۲۹۸ کنوانسیون در آن ها اشاره شده است. به عبارتی، هر اختلافی که به مقوله های مندرج در این دو ماده مربوط شود در صورتی به دیوان ارجاع خواهد شد که طرفین اختلاف با یکدیگر توافق کرده باشند. چنانچه نگاهی به مواد فوق شود، مشاهده خواهد شد که در برخی اختلافات، خصوصاً اختلافاتی که به حقوق دولت های ساحلی ارتباط پیدا می کند. دولت ها می توانند به طور یک جانبه، مبادرت به صدور «اعلامیه ویژه»، نمایند. دیگر اختلافاتی که با صدور اعلامیه ویژه از صلاحیت رسیدگی اجباری، خارج می شوند، اختلافاتی هستند که ماهیت سیاسی دارند.^۳

۲- صلاحیت در خصوص اختلافات راجع به تفسیر یا اجرای سایر موافقت نامه

ها به موجب بند ۲ ماده ۲۸۸ کنوانسیون

^۱ -The Statute of ITLOS , Art ۲۸۷

^۲ -The Statute of ITLOS , Art ۲۱ and ۲۲

^۳ -فیوضی، رضا، «حقوق بین الملل مسئولیت بین المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع» جلد ۲، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ صص ۹۰-۱۵۰.



دیوان نسبت به کلیه اختلافاتی که مربوط به تفسیر یا اجرای یک موافقت نامه ی بین المللی باشد صلاحیت دارد. البته این صلاحیت مشروط به این است که موافقت نامه مزبور، در راستای اهداف کنوانسیون باشد. بر اساس ماده ۲۱ اساسنامه، دیوان به کلیه موضوعاتی که در دیگر موافقت نامه های بین المللی صراحتاً صلاحیت دیوان نسبت به آنها پذیرفته شده است، رسیدگی خواهد کرد.

۳- صدور قرار موقت

چنانچه دیوان بین المللی حقوق دریاها، صلاحیت خود را برای رسیدگی به اختلافی احراز کند، تا قبل از تصمیم گیری نهایی در مورد آن اختلاف، می تواند به منظور حفظ حقوق طرفین اختلاف و همچنین پیشگیری از ورود آسیب شدید به محیط زیست دریای، اقدام به صدور اقداماتی نماید که مقتضی اوضاع و احوال خاص اختلاف مزبور باشد^۱.

۴- رفع فوری توقیف کشتی و خدمه

دیوان بین المللی حقوق دریاها، صلاحیت دارد به دادخواست رفع فوری توقیف کشتی و خدمه آن بر طبق مفاد بند ۱ ماده ۲۹۲ کنوانسیون، رسیدگی نماید، و بر اساس بند ۲ ماده ۲۹۲ کنوانسیون دادخواست رفع فوری توقیف کشتی و خدمه، فقط توسط دولت صاحب پرچم کشتی یا به نمایندگی از طرف آن دولت، امکان پذیر می باشد و این مزیتی است که به دولت صاحب پرچم تعلق گرفته است حقوق دیگری نیز برای دولت صاحب پرچم متصور است از جمله اینکه کشتی ها در دریای آزاد منحصرأ تابع مقررات حقوقی آن دولت می باشند.

^۱ - الکساندریکس و دیگران، حقوق محیط زیست، ترجمه محمد حسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴، صص ۲۱۸-۲۱۰.

بخش پنجم: اصول و مبانی حقوقی حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی^۱ و صلاحیت آن

برای فهم بیشتر سیستم حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی، ابتدا کلیاتی در مورد سازمان تجارت جهانی بیان می شود. سازمان تجارت جهانی یک سازمان بین المللی است، که قوانین جهانی تجارت را تنظیم و اختلافات بین اعضاء را حل و فصل می کند. اعضای سازمان تجارت جهانی کشورهایی هستند که موافقت نامه هایی این سازمان را امضاء کرده اند. مقرر این سازمان در ژنو سویس قرار دارد. اهداف این سازمان ارتقای سطح زندگی، تامین اشتغال، توسعه تولید و بهره وری بهینه از منابع جهانی، دستیابی به توسعه پایدار، حفظ محیط زیست و افزایش سهم کشور های در حال توسعه و کمتر توسعه یافته از رشد تجارت بین المملی است. سازمان تجارت جهانی برای دستیابی به موافق نامه های مورد تایید اعضاء و نیز نظارت بر حسن انجام آنها از وجود ارکان مختلف تصمیم گیری، نظارتی، اجرایی و حقوقی بهره می برد^۲. ایران برای عضویت در این سازمان تلاشهای زیادی انجام داده و هم اکنون به عنوان عضو ناظر پذیرفته شده است. از این رو سیستم شبه فضایی حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی برای حل اختلافات تجاری بین دولتهای عضو سازمان، تصمیمات یا آرایه را صادر می کند که این تصمیمات یا آراء به طور کل این اختلافات را حل می کند. در سازمان تجارت جهانی، تفاهم نامه حل و فصل اختلافات^۳ بر طبق قواعد و رویه ی حاکمه حل و فصل اختلافات بین دولت های عضو سازمان تصویب شد این تفاهم نامه تنها برای اختلافاتی به کار می رود که بر اساس مقررات و قواعد توافق نامه ای است که

^۱- World Trade Organization Dispute Settlement Body (WTODSB).

^۲- اسفندیاری، امیر، ساختار سازمان تجارت جهانی، تهران، انتشارات تدبیر، ۱۳۸۴، صص ۲۳-۲۰.

^۳- Dispute Settlement Understanding (DSU).



طبق این تفاهم نامه تنظیم شده باشند. با این وجود، بر طبق تفاهم نامه ی حل و فصل اختلاف، اعضای هیئت منصفه سازمان و هیئت استیناف سازمان تنها در مورد دعاوی صلاحیت دارند که بر طبق مقررات حل و فصل اختلاف توافق نامه های مربوطه (تفاهم نامه ها) بوجود آمده باشند. این دعاوی ممکن است بر اساس نقص تعهدات ویژه ای که در تفاهم نامه ها و یا موافقت نامه ها وجود دارد بوجود آید.^۱ سازمان تجارت جهانی^۲ یکی از چند نظام حل و فصل اختلاف بین المللی است که برای اختلافاتی که از تفاهم نامه ها ناشی می شود، صلاحیت اجباری دارد. هیئت استیناف در زمانی تشکیل می شود که به درخواست یک طرف (شاکی) باشد و یا اجماعی برای وجود اختلاف موجود باشد.^۳ همچنین یک اختلاف زمانی بوجود می آید که یک عضو سازمان تجارت جهانی در مقابل عضو دیگر، تعهد یا توافق نامه ای را که بر اساس مقررات سازمان به وجود آمده است، نقض کند. این توافق نامه ها بوسیله ی دولت های عضو سازمان تشکیل و به اجرا در می آید. به طور کل مسئولیت نهایی برای حل و فصل اختلافات، به عهده ی هیئت حل و فصل اختلافات (که همان دولت های عضو سازمان هستند) است.^۴

بند اول: صلاحیت شخصی

برای حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی از سیستم چند جانبه استفاده می شود ماده ۲۳ تفاهم نامه حل و فصل اختلافات بیان می دارد که برای حل و فصل اختلافات، تنها فعالیت یک جانبه مستثنی نیست، بلکه از روش های دیگر، برای حل و فصل اختلاف که مربوط به سازمان است جلوگیری می شود.^۵

^۱ - شیروی، عبدالحسین، حقوق تجارت بین الملل، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۰، صص ۶۰-۱.

^۲ - World Trade Organization.

^۳ - شیروی، عبدالحسین، منبع پیشین، صص ۵۵-۵۰.

^۴ - همان، ص ۸۹.

^۵ - منبع پیشین، صص ۱۷۰-۱۳۰.

بند دوم: صلاحیت اجباری

سیستم حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی اجباری است و همه ی اعضای سازمان زیر نظر سیستم حل و فصل اختلافات، عمل می کنند. همه ی اعضای سازمان تجارت جهانی توافق نامه ی سازمان را امضاء و تصویب کردند. در نتیجه تفاهم نامه ی حل و فصل اختلاف، تمام اعضای سازمان را برای همه اختلافاتی که برطبق توافق نامه ی سازمان به وجود می آید، در بر می گیرد. از اینرو همانند سیستم های دیگر حل و فصل اختلافات بین المللی، لازم نیست طرفین اختلاف در یک اعلامیه ی جدا یا توافق نامه ی جدا صلاحیت سیستم حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی را بپذیراند، بلکه این رضایت و یا قبول پذیرش صلاحیت سیستم شبه قضایی حل و فصل اختلاف سازمان زمانی که اعضا به سازمان تجارت جهانی می پیوندند، به وجود می آید. در نتیجه همه ی اعضا از این سیستم بهره برده و نمی توانند از صلاحیت این سیستم فرار کنند.^۱ به طور کل، حل و فصل اختلافات ستون مرکزی سیستم تجاری چند جانبه و کمک بی نظیر سازمان تجارت جهانی به ثبات اقتصاد جهانی است و بدون چنین سیستمی در سازمان تجارت جهانی، قوانین و مقررات قابل اجرا نیستند. البته تقریباً بیشتر اعضای سازمان، به طور داوطلبانه، تصیمات سیستم حل و فصل اختلافات را اجرا می کنند.

^۱ -Hohmann, Harald, Agreeing and Implementing the Doha Round of the World Trade Organization, New York, Cambridge University Press, ۲۰۱۰, P.P.۲۹۴-۳۰۷.



منابع و مأخذ

قرآن کریم و بعد

الف) کتب فارسی

- خاور، محمد، صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.
- زمانی و دیگران، سید قاسم، نهادها و ساز و کارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر، چاپ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۷.
- سادات میدانی، سید حسین، دیوان بین المللی دادگستری (مسائل روز، چکیده آراء و اسناد)، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۸.
- سنگلجی، محمد، آیین دادرسی در اسلام، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۶.
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات دراک، بهار ۱۳۹۹.
- صلح چی، محمد و نژدی منش، هیبت ا...، حل و فصل اختلافات بین المللی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، چاپ سی ام، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵.
- فلاحی، مهدی، حمایت کنسولی و حقوق متهمین بیگانه (باتاکید بر بررسی عملکرد ایالات متحده امریکا)، قم، انتشارات فارس الحجاز (عج)، ۱۳۸۶.
- کیس و دیگران، الکساندر، حقوق محیط زیست، ترجمه محمد حسن حبیبی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
- محبی، محسن، ماهیت، ساختار و عملکرد دیوان داور ایران - ایالات متحده، تهران، انتشارات فردآفر، ۱۳۸۲.



- موسوی، سیدمهدی، دادرسی فوری در نظام حقوقی ایران و انگلستان، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، زمستان ۱۳۹۶.
- میرزایی ینگجه، سعید، ایران و صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹.

ب) مقالات فارسی

- امیر ارجمند، اردشیر، گزارشی از رای دیوان بین المللی دادگستری در قضیه لاکربی: ایرادات مقدماتی، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ش ۲۲، تهران، سال ۱۳۷۷. صص ۳۱-۳۲.
- درودیان، محمد، سیری در جنگ ایران و عراق، شماره ۵، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تهران، ۱۳۷۹. صص ۱۰۶-۱۰۷.
- محبی، محسن، حکم صلاحیتی دیوان بین المللی دادگستری در قضیه سکوه‌ای نفتی فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره چهارم، ۱۳۷۵.

ج) منابع لاتین

- Cheng, Bin, *General Principles of Law as applied by International Courts and Tribunal*, Cambridge, Grotius Publications Limited, 1987.
- Harris, David and living stone, Stephen, *The operation of the Inter-American Court of Human Rights*, in *The Inter-American of Human Rights*, Clarendon Press, 1998.
- Jennings, R.Y. *Nullity and Effectiveness in International Law*, in: *Cambridge Essays in International Law Essays in Honor of Lord Mc Nairy* Cambridge, Cambridge University Press, 1965.
- Malcom N. Shaw, *International Law*, 4th Ed, Cambridge, Cambridge University Press, 1999.
- Rosenne, Shabtai, *The Law and Procedure of International Tribunal*, A.W.sigthoff, Leyden 1965.



- SYLR, Vol 8, 1979, pp. 424-430.
- Fitzmaurice, Sir Gerald, *The Law and Practice of ICJ*, BYIL, 1980, pp. 107-115.
- Jennings, Robert Y, *The International Court of Justice after Fifty Years*, AJIL, 1955, pp.